

برآوردی از نقش عوامل مؤثر بر کسری بودجه در ایران

اکبر کمیجانی*

ویدا ورهرامی**

چکیده

در بعضی از کشورها همچون ایران، دولت نقش مهمی در اداره فعالیت‌های کشور دارد و انجام بسیاری از فعالیت‌های عمرانی و خدمات درمانی بر عهده دولت است. دولت برای انجام وظایف خود به بودجه نیاز دارد که ممکن است به علت تحقق نیافتن درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه و یا فزونی یافتن هزینه‌ها با کسری بودجه مواجه گردد. سؤال اصلی این مقاله، بررسی و تعیین نحوه اثرگذاری متغیرهای یارانه، تورم، درآمدهای مالیاتی، درآمدهای نفتی، مخارج دولتی، رشد اقتصادی، جنگ‌ها، انتخابات، بیکاری و جمعیت بر کسری بودجه دولت است. علت انتخاب و بررسی آثار این متغیرها مبتنی بر نظریه کینزی، تئوری مالیه بهینه، تئوری قرض تصادفی، تئوری انتخاب عمومی می‌باشد. در مطالعه حاضر، کسری بودجه به صورت تفاضل مخارج و درآمدهای دولت تعریف و به صورت متغیر وابسته وارد مدل می‌گردد. جهت آزمون اثرگذاری این متغیرها از آمار فاصله سال‌های ۸۷-۱۳۵۸ و جهت آزمون نحوه تأثیرگذاری این متغیرها بر کسری بودجه از روش حداقل مربعات معمولی استفاده می‌شود. نتایج این مطالعه حاکی از اثر منفی درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی، رشد اقتصادی بر کسری بودجه و تأثیر مثبت یارانه‌ها و هزینه‌های عمومی دولت بر کسری بودجه دولت است.

واژگان کلیدی

کسری بودجه، درآمد نفتی، درآمد مالیاتی، هزینه‌های عمرانی

Email: komijani@ut.ac.ir

Email: vida7892000@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۳/۱۸

* استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

** دانشجوی دوره دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

تاریخ ارسال: ۹۰/۱۱/۱۴

فصلنامه راهبرد / سال بیست و یکم / شماره ۶۴ / پاییز ۱۳۹۱ / صص ۴۲-۲۷

مقدمه

طی سال‌های متمادی، مکاتب مختلف نظریات گوناگونی در مورد عوامل مؤثر بر کسری بودجه ارائه داده‌اند. به طور مثال کینزین‌ها اعتقاد داشتند که کسری یا مازاد بودجه می‌تواند در بهبود نوسانات اقتصادی مؤثر عمل کند. به گونه‌ای که در دوره رکود میزان تولید پایین است و درآمد ملی نیز پایین می‌باشد و بدین‌سان دولت با توسل به اعمال سیاست‌های کسری بودجه از طریق افزایش هزینه‌های خود تا حدودی در جهت کاهش رکود اقتصادی عمل می‌نماید.

روبینی و همکاران^۱ (۱۹۹۷) و گف^۲ (۱۹۹۳) در مطالعات خود به بررسی نظریات مختلف پیرامون کسری بودجه پرداختند. آلسینا و همکاران^۳ (۱۹۹۷) سعی کردند نظریات کینزین‌ها و نئوکلاسیک‌ها پیرامون کسری بودجه را در ۱۴ کشور OECD بررسی کنند. بوکانان^۴ در سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۶۷ به بررسی تئوری قرض تصادفی پرداخت. رگف^۵ (۱۹۹۰) برای کشورهای در حال توسعه نشان داد که تورم در کشورهای در حال توسعه کسری بودجه دولت را افزایش

می‌دهد. ون هاگن و همکاران^۶ (۱۹۹۴) نیز در مطالعات خود نشان دادند که نتایج تأثیر تورم بر کسری بودجه در حالت کلی قابل پیش‌بینی نیست.

ویتو تنزی (۱۹۸۵)^۷ در مقاله خود به بررسی اینکه آیا کسری بودجه دولت باعث افزایش نرخ بهره می‌گردد و آیا کسری بودجه تاریخی و بی‌سابقه در ایالات متحده امریکا که در سال‌های ۸۴-۱۹۸۰ تجربه شده است، می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل توضیح‌دهنده سطح بالای نرخ بهره حقیقی باشد یا خیر، پرداخته است. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که نرخ بهره در حقیقت با کسری بودجه و با سطح بدهی‌های عمومی رابطه مثبت دارد و با فرض ثبات سایر شرایط، با افزایش کسری بودجه، نرخ بهره افزایش می‌یابد. همچنین این مقاله نشان می‌دهد که قسمت عمده‌ای از افزایش نرخ بهره حقیقی در دوره ۸۴-۱۹۸۱ به متغیرهای مالی وابستگی نداشته است و شرایط اقتصادی همانند بازنگری قوانین در بازار مالی، مهاجرت، تغییر در سیاست‌های پولی و مهم‌تر از همه تغییر مقررات مالیاتی نقش

1. Roubini et al
2. Goff
3. Alesina et al
4. Buchanan
5. Rogoff

6. Von Hgen et al
7. Vito Tanzi

مقاله خود پیشنهاد می‌کند که دولت‌ها باید از طریق افزایش درآمد مالیاتی و کاهش هزینه‌های غیرضرور، مهم‌ترین هدف سیاست‌گذاری‌های خود را مقابله با کسری بودجه قرار دهند.

در ایران نیز مطالعات گسترده‌ای پیرامون کسری بودجه و عوامل مؤثر بر آن صورت گرفته است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

جعفری صمیمی (۱۳۶۹) در مطالعه خود نشان داد که طی دوره ۶۹-۱۳۵۲ یک ارتباط دو طرف بین کسری بودجه دولت و تورم وجود دارد؛ به گونه‌ای که افزایش کسری بودجه از طریق افزایش پایه پولی و عرضه پول نرخ تورم را بالا می‌برد و افزایش نرخ تورم منجر به افزایش کسری بودجه اسمی دولت می‌گردد.

جعفری صمیمی (۱۳۷۱) در مطالعه دیگری رابطه بین کسری بودجه دولت، رشد حجم پول و تورم را در اقتصاد ایران در دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۶۰ بررسی نمود. بدین منظور یک الگوی کوچک اقتصاد کلان با استفاده از داده‌های فصلی و منظور نمودن فرضیه انتظارات عقلایی تدوین و تخمین زد. نتایج تجربی این مطالعه، نظریه کینزین را مبنی بر اینکه کسری بودجه دولت افزون بر

مهمی در تغییر نرخ بهره در این دوره داشته‌اند.

سیل (۲۰۰۵)^۸ در مقاله خود بیان می‌دارد که شواهد تجربی از ارتباط مختلف بین تورم و کسری بودجه در حالت‌های متفاوت خبر می‌دهند. سیاست پولی و مالی با هم در ارتباط می‌باشند، چون رشد پول به شکل حق‌الضرب آن، منبع درآمدی برای تأمین مالی هزینه‌های دولت به وجود می‌آورد.

به گفته وی پاسخ به این سؤال که آیا کسری بودجه منجر به تورم می‌شود یا نه، بستگی به استقلال بانک مرکزی در تعیین سیاست پولی جهت تأمین کسری بودجه دارد. وی نشان داد که در اقتصاد امریکا ارتباط ضعیفی بین کسری بودجه و تورم مشاهده شده است، در حالی که این ارتباط در کشورهای در حال توسعه قوی می‌باشد.

یون^۹ (۲۰۱۲) در مقاله خود به بررسی آثار سوء ناشی از کسری بودجه بر اقتصاد امریکا پرداخت. وی نشان می‌دهد که معمولاً در صورت عدم توجه دولت‌ها، کسری بودجه با نرخ فزاینده‌ای طی زمان رشد خواهد کرد و رفته رفته آثار انفجاری سوی خود را بر اقتصاد کشور به جای می‌گذارد. لذا یون در

8. Sill K

9. Yoon

تأثیر از طریق حجم پول به طور مستقیم بر نرخ تورم تأثیر مثبت می‌گذارد، تأیید می‌نماید. اما این نتایج با نظریه طرفداران مکتب پولی مبنی بر تأثیرگذاری کسری بودجه دولت بر نرخ تورم تنها از طریق حجم پول، سازگار نمی‌باشد. یک الگوی کوچک خودهمبسته‌برداری برای تجزیه و تحلیل اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت کسری بودجه دولت بر رشد حجم پول و نرخ تورم نیز برآورد شده است. نتایج تجربی دلالت بر این دارند که کسری بودجه دولت هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت با نرخ تورم و رشد حجم پول رابطه مستقیم دارد.

موسوی کسمایی (۱۳۷۸) با استفاده از یک الگوی خودبرگشت برداری رابطه بین کسری بودجه دولت، رشد اقتصادی و تورم را بررسی و بیان کرد که برای سال‌های ۷۵-۱۳۴۲ در کوتاه‌مدت سیاست کسری بودجه می‌تواند زمینه‌های افزایش تولید را فراهم آورد و منجر به افزایش رشد اقتصادی گردد، اما در بلندمدت تنها منجر به افزایش تورم می‌شود و اثری بر رشد اقتصادی ندارد.

تقی‌پور و نوفرستی (۱۳۷۸) در بررسی الگوهای مختلف عکس‌العمل سیاست پولی در ایران نتیجه گرفتند که مقامات پولی، خواسته یا ناخواسته سیاست پولی هماهنگ را

اعمال نموده‌اند. علت این امر، تأمین کسری بودجه دولت از طریق استقراض از نظام بانکی و تا حدودی وابسته بودن درآمدهای دولت به نفت است، زیرا تغییر ناگهانی درآمد نفت، پایه پولی را بدون توجه به سطح عمومی قیمت‌ها تغییر می‌دهد که تحت شرایط فوق سیاست پولی پیرو سیاست مالی می‌شود و سیاست مالی نمی‌تواند سطح قیمت‌ها را در اقتصاد مهار کند.

عزیزی (۱۳۸۵) در مقاله خود بیان می‌دارد که رابطه بین کسری بودجه دولت با برخی متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تورم به طور کلی مبهم است. شواهد آماری مربوط به تحقیقات تجربی درباره متغیرهای نرخ تورم و نسبت کسری بودجه دولت به تولید کشورهای جهان نشان می‌دهد که ارتباط بین کسری بودجه دولت با تورم برای همه کشورها یکسان نیست. هدف اصلی مقاله عزیزی بررسی نظری و تجربی و آزمون رابطه میان کسری بودجه و تورم در اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۸۳-۱۳۵۴ است. وی با برآورد رابطه میان تورم و کسری بودجه نتایج نشان داد که این نتایج از لحاظ آماری در این سال‌ها معنی‌دار نبودند.

لذا در مقاله حاضر ابتدا به بررسی تئوری‌های مختلف پیرامون کسری بودجه و

بررسی این نظریه متغیر نرخ رشد اقتصادی (GY) به صورت تغییرات رشد تولید ناخالص داخلی معرفی می‌شود و ضریب این متغیر نشانگر این است که سیاست‌های مالی باید به گونه‌ای اعمال شوند که منجر به بهبود سطح تولیدات اقتصادی گردند (Alesina, Roubini and Cohen, 1997).

۱-۲. تئوری مالیه بهینه

ممکن است خانوارها بر اساس نظریه بارو^{۱۰} (۱۹۷۴) این پیش‌بینی را کامل و قطعی بدانند که به دلیل خلق کسری بودجه، دولت در آینده مالیات‌ها را افزایش خواهد داد. بنابراین در زمان حال دولت به انتشار اوراق قرضه می‌پردازد و مردم افزایش اوراق قرضه را به عنوان ثروت خود به حساب نمی‌آورند تا به مصرف بیشتر اقدام کنند. (این مورد به فرضیه برابری ریکاردویی معروف است) پس احتمالاً پرداخت‌کنندگان مالیات درآمدهای ناشی از کاهش مالیات در زمان حال را پس‌انداز می‌کنند، یعنی گویی هیچ‌گاه کاهش مالیات دائمی در اقتصاد وجود نخواهد داشت.

بدین منظور بارو (۱۹۷۴) مدلی را بیان کرد که طبق آن مدل، افراد از روی کسری مالی دولت میزان مالیات‌هایی را که باید

در ادامه به برآورد مدلی برای ایران می‌پردازیم. تفاوت اصلی این مقاله نسبت به سایر مطالعات صورت گرفته، آن است که علاوه بر بررسی نظریه‌های مختلف در خصوص عوامل مؤثر بر کسری بودجه، با عنایت به مطالعات تجربی انجام‌شده در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر کسری بودجه شناسایی شده و با استفاده از روش اقتصادسنجی حداقل مربعات معمولی برآورد گردد.

۱. ادبیات تجربی و نظری موضوع

۱-۱. نظریه کینزی

نظریه اقتصاد کلان کینزی بیان می‌دارد که کسری بودجه باید به عنوان وسیله‌ای جهت بهبود وضع اقتصادی استفاده شود و همچون خط مشی صحیحی، سیاستمداران را قادر می‌سازد که رفاه اجتماعی را حداکثر نمایند. لذا در دیدگاه کینزی رشد تولید و بیکاری متغیرهایی هستند که دولت‌ها با آنها مواجه هستند و خط‌مشی نظریه کینزی به گونه‌ای است که تفاوت بین بیکاری واقعی و سطح طبیعی بیکاری را حداقل نماید. بدین سان نظریه کینزی پیش‌بینی می‌کند که کسری بودجه با بیکاری همبستگی منفی دارد و از طرفی کسری بودجه با نرخ رشد واقعی اقتصاد رابطه مثبت دارد. لذا جهت

بپردازند، پیش‌بینی می‌کنند. لذا زمانی که افراد پیش‌بینی می‌کنند که دولت با کسری بودجه مواجه است، از دولت وام می‌گیرند و این وام را پس‌انداز می‌کنند و بهره این وام دریافتی را به عنوان مالیات می‌پردازد، بدین‌سان کسری بودجه نمی‌تواند در بلندمدت وسیله مؤثری جهت کاهش بحران باشد.

سؤالی که در اینجا بارو مطرح می‌کند، این است که چرا سیاستمداران از کسری بودجه جهت بهبود نوسانات تولیدی و بحران‌های اقتصادی استفاده می‌کنند؟

به این سؤال به این صورت می‌توان پاسخ داد که سیکل‌های تجاری که شامل نوسانات مالیاتی نیز می‌شوند، کسری را در رکود و مازاد را در رونق می‌طلبند و بدین‌سان دولت می‌تواند نرخ مالیات و مخارج خود را ثابت نگه داشته و تعادل کلان را حاصل آورد. لذا تئوری مالیه بهینه، سیاست کسری بودجه را چنین توضیح می‌دهد که کسری بودجه با انحراف مخارج عمومی دولت از مسیر طبیعی‌اش رابطه مثبت و با انحراف محصول و تولیدات اقتصاد از روند طبیعی آن رابطه منفی دارد و می‌توان ذکر کرد که بارو جهت بررسی تئوری خود از یک رابطه خطی بین درآمد و مخارج دولتی استفاده نمود.

۱-۳. تئوری قرض تصادفی

این تئوری توسط بوکانان (۱۹۶۷) مطرح شد. در مدل بوکانان افراد، مالیات را وسیله تأمین مخارج عمومی دولت می‌دانند. لذا اگر طول عمر انتظاری یک فرد مشخص باشد، می‌تواند از خدمات عمومی دولت استفاده کند و مالیات ندهد. از طرفی افراد می‌توانند از دولت وام یا تسهیلات بگیرند و هنگامی که طول عمر انتظاری آنها نامشخص باشد، می‌توانند از پرداخت وامی که گرفته‌اند، فرار کنند. پس بدین‌گونه بازماندگان این افراد باید وام‌های پدرانشان را که به آنها به ارث رسیده نیز بپردازند و علاوه بر آن باید مالیات‌های خودشان را نیز بپردازند. پس بازماندگان، مالیات دادن را به گرفتن وام از دولت ترجیح می‌دهند. بوکانان بیان کرد که افزایش عمر انتظاری افراد منجر به مجبور شدن آنها به پرداخت وام‌هایی که گرفته‌اند، می‌شود تا از طریق آن مالیات‌ها را بپردازند. بدین صورت درصد کمتری از مردم وام را ترجیح می‌دهند. در نتیجه، افزایش متوسط عمر انتظاری افراد با کسری بودجه دولت ارتباط منفی دارد.

۱-۴. تئوری انتخاب عمومی

این تئوری ادعا می‌کند که کسری بودجه، نتیجه فشارهای نهادهای سیاسی

انتظاری افراد و کسری بودجه رابطه منفی برقرار است. می توان نتیجه گیری کرد که ترجیحات افراد نسبت به دادن مالیات و یا وام فقط به سن آنها وابسته نیست، بلکه به توزیع میراث آنها نیز وابسته است.

۱-۴-۲. سیکل های بودجه سیاسی

این تئوری بیان می کند که قبل از هر دوره انتخابات ریاست جمهوری معمولاً یک سیاست مالی انبساطی اعمال می شود، زیرا دولت جهت به دست آوردن رأی بیشتر به دنبال بهبود وضع و افزایش رفاه مردم است. رگف (۱۹۹۰)، آلسینا و همکاران (۱۹۹۷) در مورد این تئوری، بررسی هایی را انجام دادند و بیان کردند که معمولاً دولت ها با توسل به کسری بودجه به دنبال افزایش احتمال انتخاب شدن خود در انتخابات هستند. ریبینی، آلسینا و کوهن، یک متغیر موهومی به نام ELE را وارد مدل کردند و بیان داشتند که اگر انتخابات در نیمه اول سال صورت گیرد، این متغیر در آن سال، یک است. ولی اگر انتخابات در نیمه دوم سال صورت گیرد، در سالی که در آن انتخابات صورت گرفته و سال بعد از انتخابات، عدد یک را برای متغیر مزبور و در سایر سال ها این متغیر را صفر در نظر می گیریم (Galli&Padovano, 2002, p.40).

مختلف می باشد؛ به گونه ای که ممکن است نهادهای مختلف، فشارهای گوناگونی به سیاستمداران اعمال نمایند تا بتوانند به خواسته های خود دست یابند. پس این فشارها ممکن است منجر به ایجاد کسری بودجه دولت گردد. در زیر به بررسی انواع تئوری انتخاب عمومی می پردازیم (Buchanan, 1967).

۱-۴-۱. تئوری گروه ذی نفع^{۱۱}

این گروه افرادی هستند که گرفتن وام را ترجیح می دهند و تمایل دارند وام بگیرند و با پس انداز این وام، مالیات ها را بپردازند. افرادی مثل تولیسیون، شوقارت و رولی^{۱۲} (۱۹۸۸) در این زمینه کار کردند. گف (۱۹۹۳) بیان کرد که افراد پیری که ورثه ای ندارند و برای نسل بعد پولی به ارث نمی گذارند، وام های دولتی (اوراق قرضه دولتی) را به عنوان افزایش خالصی در ثروتشان تلقی می کنند و این افراد از کسری بودجه دولت نفع می برند. لذا تئوری مذکور ارتباط مثبتی بین درصد جمعیت پیر و کسری بودجه را بیان می دارد و با توجه به آن می توان گفت که بین درصد جمعیت پیر بالای ۶۵ سال و کسری بودجه دولت رابطه مثبتی وجود دارد و بین متوسط عمر

11. Interest Group

12. Tollision, Shoghart, Roeley

۱-۴-۳. طرز عمل بودجه‌ای

این تئوری بیان می‌دارد که روش بودجه‌نویسی قانون‌های مربوط به بودجه‌نویسی و حتی زمان بودجه‌نویسی می‌تواند بر کسری یا مازاد بودجه مؤثر باشد. لذا افرادی مثل وان هاگن (۱۹۹۲) و وان هاگن و هاردن^{۱۳} (۱۹۹۶) معتقدند که اول باید پیرامون اجرایی یا عدم اجرایی بودن بودجه رأی‌گیری شود و بررسی‌های لازم صورت گیرد و بعد برای تأیید به مجلس برده و جهت اجرا به رئیس‌جمهور ابلاغ شود. بدین‌سان شفافیت قوانین بودجه‌نویسی و درستی اجرای این قوانین می‌تواند در بهبود توازن بودجه مؤثر باشد.

۱-۴-۴. فشار قیود اقتصادی

دولت‌ها معمولاً برای مدیریت مخارج خود از سیاست‌های مالیاتی یا نرخ‌های بهره بالا برای اوراقی که پرداختند، استفاده می‌کنند. (یعنی دولت برای اینکه جهت خرید اوراق قرضه از جانب مردم انگیزه ایجاد نماید، نرخ بهره بالاتری را ارائه می‌دهد.) پس وقتی فشارهای ناشی از مخارج دولت حاصل می‌آید، دولت‌ها تمایل دارند این هزینه‌های بالا را با فروش اوراق قرضه به جای دریافت مالیات‌ها تأمین نمایند. آلسینا

(۱۹۸۸) بیان می‌دارد که نرخ‌های نسبتاً بالای بهره با کسری بودجه دولت رابطه مثبتی دارند و بدین‌سان دولت‌ها مجبور می‌شوند به منظور تثبیت اقتصادی و جلوگیری از اثرات خروج ازدحام^{۱۴} از نرخ‌های بهره بالا به نرخ‌های ارز چندگانه پناه ببرند. بدین ترتیب برای بررسی اثر نرخ ارز از متغیر موهومی ERR استفاده می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که در سال‌هایی که نرخ ارز انعطاف‌پذیر است، این متغیر صفر و در سال‌هایی که نرخ ارز شناور است، یک می‌باشد. اگر سیستم نرخ ارز به صورت ثابت نگه داشته شده باشد، در این سال‌ها متغیر ERR دو است.

۲. معرفی متغیرها

با توجه به مباحث تئوریکي مرور شده در بخش قبل، مدل نظری کسری بودجه و عوامل مؤثر بر آن با استناد به دیدگاه‌های نظری و نتایج مطالعات تجربی طراحی می‌گردد. لذا در بخش کنونی به بررسی نقش متغیرهای مؤثر بر کسری بودجه پرداخته می‌شود، آمار مربوط به متغیرهای استفاده‌شده در متن مقاله در نگاره شماره (۲) در بخش ضمیمه مقاله لحاظ شده است.

۱. کسری بودجه (Def): در مطالعه حاضر کسری بودجه به صورت تفاضل

۴. نرخ رشد اقتصادی (GY): که برای بیان این متغیر از رشد تولید ناخالص داخلی سرانه (Gdps) استفاده شده است. به لحاظ نظری، رشد تولید ناخالص داخلی از منظر افزایش پایه مالیاتی می‌تواند زمینه‌های افزایش درآمد مالیاتی را حاصل آورد و با کسری بودجه رابطه منفی دارد.

۵. هزینه‌ها و مخارج دولتی (CG): دربرگیرنده هزینه‌های عمرانی و جاری دولت است. با افزایش هزینه‌های جاری از منظر افزایش دستمزد کارگران و کارمندان و افزایش هزینه‌های عمرانی جهت اعتباربخشی به کارهای عمرانی (راه‌سازی، سدسازی و غیره) به لحاظ نظری تأثیر مثبت بر کسری بودجه دارد. (آمار این بخش از سایت بانک مرکزی ایران به‌دست آمده و واحد آن میلیارد ریال می‌باشد).

۶. نرخ تورم یا شاخص قیمت مصرف‌کننده (Inf): در شرایط تورمی، ارزش مخارج دولتی (هزینه‌های جاری و عمرانی دولت) فزونی می‌یابد، در صورتی که درآمدهای مالیاتی نمی‌تواند خیلی افزایش یابد، لذا به

مخارج و درآمدهای دولت تعریف شده است که به صورت سالانه برآورد می‌گردند. در این بررسی، کسری بودجه متغیر وابسته است. (واحد این متغیر میلیارد ریال می‌باشد و از سایت بانک مرکزی ایران به دست آمده است).

۲. درآمدهای مالیاتی (TRM): افزایش درآمدهای مالیاتی دولت که می‌تواند ناشی از بهبود پایه مالیاتی و یا نرخ مالیاتی باشد، منجر به بهبود بخش درآمدهای بودجه عمومی گردیده و طبق تئوری به نظر می‌رسد و به لحاظ نظری با کسری بودجه رابطه منفی دارد. (واحد این متغیر میلیارد ریال می‌باشد و از سایت بانک مرکزی ایران به دست آمده است).

۳. درآمدهای نفتی (TRO): از آنجا که در اقتصاد ایران، درآمدهای نفتی سهم بالایی در بخش درآمدی بودجه دولتی دارد، لذا طبق تئوری، درآمدهای نفتی رابطه منفی با کسری بودجه دارد. (واحد این متغیر میلیارد ریال می‌باشد و از سایت بانک مرکزی ایران به دست آمده است).

لحاظ نظری وجود شرایط تورمی با کسری بودجه رابطه مثبت دارد.

۷. متغیر موهومی War: در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۸ که سال‌های جنگ تحمیلی است، یک و در سایر سال‌ها صفر می‌باشد. در دوره جنگ به علت اینکه مخارجی از جهت خرید اسلحه و سایر تسهیلات نظامی بر دولت‌ها تحمیل می‌گردد، لذا شرایط جنگی تأثیر مثبتی بر افزایش هزینه‌های دولتی دارد که زمینه کسری بودجه را حاصل می‌آورد.

۸. متغیر موهومی مرتبط با سال‌های انتخابات ELE: در سال‌های ۵۸-۵۹-۶۰-۶۴-۶۸-۷۲-۷۶-۸۰ و ۱۳۸۴ که در آنها انتخابات ریاست جمهوری صورت گرفته، دو و در بقیه سال‌ها، یک است و طبق تئوری سیکل‌های بودجه سیاسی این متغیر با کسری بودجه رابطه مثبت دارد. (در مطالعات ربینی، آلسینا و کوهن، این متغیر موهومی با ارزش‌های یک و دو در نظر گرفته شده که در این مطالعه نیز به تبعیت از آنها از این ارزش‌گذاری برای متغیر موهومی ELE استفاده شده است).

۹. متغیر موهومی مرتبط با نوسانات نرخ ارز ERR مربوط به نرخ ارز است که در سال‌های ۷۱-۱۳۵۰، دو و در سال‌های ۸۰-۱۳۷۲، صفر و در سال‌های ۸۷-۱۳۸۱، یک در نظر گرفته می‌شود، زیرا در سال‌های ۷۱-۱۳۵۸ نرخ ارز به صورت ثابت نگه داشته شده با نرخ متناوب بین ۶۰ تا ۷۰ ریال بود، ولی در سال ۱۳۷۲ پس از یکسان‌سازی نرخ ارز براساس تصویب هیئت دولت از فروردین ۱۳۷۲ تا پایان آذر این سال، ۵۸ درصد درآمد ارزی حاصل از صدور نفت و از دی ماه آن سال، ۹۰ درصد درآمد ارزی مذکور به نرخ شناور روز و بقیه به نرخ هر دلار ۷۵ ریال محاسبه گردید. همچنین در این سال مقرر گردید که مابه‌التفاوت نرخ ارز ۷۰ ریال و نرخ ارز شناور اعلام‌شده روز در حسابی تحت عنوان حساب تعهدات مابه‌التفاوت نرخ ارز نزد بانک مرکزی نگهداری شود. از سال ۸۰-۱۳۷۲، نرخ ارز بین ۱۶۴۶ ریال تا ۱۷۵۳ ریال متغیر (انعطاف‌پذیر) بود، ولی از سال ۸۷-۱۳۸۱، نرخ ارز بین ۷۹۵۸ تا ۹۱۹۶ ریال شناور بود. در

۳. بررسی مدل

جهت بررسی آثار متغیرهای مختلف بر کسری بودجه آلسینا و همکاران (۱۹۹۷) در مقاله خود روابط (۱) و (۲) را معرفی نمودند و با استفاده از داده‌های موجود، این روابط را از طریق روش حداقل مربعات معمولی برازش نمودند.

رابطه شماره (۱)

$$dDef = \alpha_1 + \alpha_2 dTRO + \alpha_3 dTRM + \alpha_4 dCG + \alpha_5 dSub + \alpha_6 ELE$$

رابطه شماره (۲)

$$dDef = \beta_1 + \beta_2 dGY + \beta_3 dInf + \beta_4 dPOP + \beta_5 War + \beta_6 ERR$$

لذا جهت بررسی آثار عوامل مختلف بر کسری بودجه در ایران در این مقاله از روابط (۱) و (۲) استفاده شد، چون متغیرها مانا از درجه یک می‌باشند؛ لذا با اعمال یک تفاضل مانا گردیدند و جهت مدل‌سازی تفاضل مرتبه اول آنها مد نظر قرار گرفت. نتایج بررسی مانایی متغیرها در نگاره شماره (۱) نشان داده شده است.

در این مقاله جهت بررسی عوامل مؤثر بر کسری بودجه ایران از آمار سال‌های ۸۷-۱۳۵۸ استفاده شده است و این آمارها با مراجعه به سایت بانک مرکزی ایران حاصل آمده است. جهت برازش از روش حداقل مربعات معمولی استفاده گردید. علت استفاده

اینجا لازم به ذکر است که در این مقاله نرخ ارز قیمت یک واحد پول خارجی است و پول خارجی دلار می‌باشد و نرخ ارز نیز برای آزمون تئوری فشار قیود اقتصادی وارد مدل گردیده است.

۱۰. یارانه‌های پرداختی از جانب دولت (Sub): به خصوص در ایران از آنجا که این کشور دارای اقتصاد دولتی است، سالانه یارانه‌های قابل‌ملاحظه‌ای از جانب دولت‌ها روی کالاهای اساسی پرداخت می‌شوند که چون یارانه‌ها به عنوان هزینه‌ای برای دولت محسوب می‌شوند، لذا با افزایش یارانه‌های دولتی و به تبع آن افزایش هزینه‌های دولت، کسری بودجه افزایش خواهد یافت (آمار مربوط به این متغیر با مراجعه به سایت بانک جهانی، در قسمت آمار مربوط به ایران، حاصل آمده است).

۱۱. جمعیت (POP): جهت آزمون تئوری بدهی احتمالی^{۱۵} وارد مدل می‌گردد. (واحد این متغیر هزار نفر است).

از این روش علاوه بر سادگی، بیان نتایجی مطابق با مبانی نظری بود. از سویی چون به دنبال بررسی همزمان آثار چند تئوری بودیم و متغیرهای ما مانا از مرتبه اول هستند، این روش نسبت به سایر روش‌ها از اولویت برخوردار بود.

۴. بررسی مانایی متغیرها

در ابتدا به بررسی مانایی متغیرها با روش آزمون دیکی فولر می‌پردازیم که طبق این بررسی تمام متغیرها در تفاضل مرتبه اول مانا هستند. نتایج بررسی مانایی متغیرها در نگاره شماره (۱) ذکر شده است.

نگاره شماره (۱) - بررسی مانایی یا نامانایی

متغیرها

متغیر	ADF (تفاضل مرتبه اول)	سطح بحرانی ۵ درصد	مانایی یا عدم مانایی در تفاضل مرتبه اول
Def	-۴۰.۸۷۱	-۲/۶۱	مانا
GY	-۵/۶۷	-۳/۰۷	مانا
TRM	-۳/۵۶	-۲/۹۸	مانا
TRO	-۲/۸۱	-۱/۳۴	مانا
Inf	-۴/۳۱	-۲/۹۸	مانا
CG	-۳/۵۶	-۲/۳۳	مانا
Sub	-۲/۲۱	-۱/۷۳	مانا
POP	-۳/۵۶	-۲/۰۵	مانا

۵. برآزش

الف) بررسی تأثیر متغیرهای درآمدی و مخارج دولت بر کسری بودجه

در این قسمت، تفاضل مرتبه اول کسری بودجه را به عنوان متغیر وابسته و تفاضل مرتبه اول متغیرهای درآمدی نفتی، درآمدی مالیاتی دولت، مخارج دولتی، یارانه پرداختی از جانب دولت و متغیر موهومی انتخابات در سطح را به عنوان متغیرهایی مستقل در نظر می‌گیریم. لذا با انجام برآزش با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی^{۱۶}، نتایج زیر به دست می‌آیند می‌آیند که در رابطه (۳) ذکر شده‌اند. علت استفاده از این روش علاوه بر سادگی، بیان نتایجی مطابق با مبانی نظری بود. از سویی چون به دنبال بررسی همزمان آثار چند تئوری بودیم و متغیرهای ما مانا از مرتبه اول هستند، این روش نسبت به سایر روش‌ها از اولویت برخوردار می‌باشد.

(مقادیر داخل پرانتز مربوط به آماره t

می‌باشد.)

رابطه شماره (۳)

$$dDef = 2.68 - 1.22 dTRO - 0.97 dTRM + 2.15 dCG + 1.28 dSub + 0.17 ELE$$

(2.32)

(6,47)

(7.22)

(3.94)

(4.35)

(0.23)

$$R^2 = 0.83$$

$$\bar{R}^2 = 0.79$$

$$dw = 1.98$$

برازش می‌کنیم. نتایج این برازش در رابطه (۴) لحاظ گردیده است.

(مقادیر داخل پرانتز مربوط به آماره t می‌باشد).
رابطه شماره (۴)

$$dDef = 3.42 - 2.5dGY + 1.471dInf - 0.141dPOP + 1.42War - 3.67ERR$$

(2.11)

(2.73)

(5.4)

(0.80)

(2.24)

(1.98)

$$R^2 = 0.70$$

$$\bar{R}^2 = 0.67$$

$$dw = 2.00$$

مطابق با نتایج به دست آمده در رابطه (۴)، در مورد GY یا رشد اقتصادی که به صورت افزایش و رشد تولید ناخالص داخلی است، با افزایش رشد اقتصادی و بهبود تولید، میزان درآمدهای دولت فزونی یافته و کسری بودجه دولت کاهش می‌یابد.

ERR، چون ایران یک اقتصاد وابسته به درآمدهای نفتی است، نوسانات نرخ ارز بر کسری بودجه مؤثر است و اگر نرخ ارز فزونی یابد، درآمدهای ارزی کشور بالا می‌رود و کسری بودجه کاهش می‌یابد. البته ذکر این نکته ضروری است که افزایش نرخ ارز از سوی دیگر باعث افزایش هزینه‌های وارداتی

در ادامه به بررسی نتایج برازش بالا می‌پردازیم.

در مورد متغیر یارانه همان‌طور که دیده می‌شود، رابطه مثبتی بین یارانه و کسری بودجه وجود دارد و TRM با کسری بودجه رابطه منفی دارد. چون اگر درآمدهای مالیاتی دولت افزایش یابد، که این افزایش می‌تواند ناشی از افزایش نرخ مالیات، پایه مالیاتی و حتی بهبود سیستم مالیاتی باشد، منجر به کاهش کسری بودجه می‌گردد. رابطه TRO با کسری بودجه منفی است. پس افزایش درآمدهای نفتی تأثیر منفی بر کسری بودجه در سال‌های مورد بررسی داشته است. در مورد ELE یا انتخابات، نتایج برازش نشان می‌دهند که این متغیر نسبتاً بر کسری بودجه بی‌اثر است و آماره t مربوط به این متغیر حاکی از بی‌معنی بودن این متغیر می‌باشد.

ب) بررسی تأثیر سایر متغیرها بر کسری بودجه

در این قسمت تفاضل مرتبه اول کسری بودجه را به عنوان متغیر وابسته و تفاضل مرتبه اول رشد اقتصادی، تورم، جمعیت و متغیرهای موهومی War و ERR در سطح با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی

فرجام

طبق بررسی‌های صورت‌گرفته، کاملاً مشخص است که نظریه کینزی در ایران کاربرد دارد. در ایران طبق مطالعات تجربی تعداد احزاب روی کسری یا مازاد بودجه دولت تأثیر چندانی ندارند. علت این مسئله می‌تواند ناشی از عدم شکل‌گیری احزاب قوی و پر قدرت در ایران باشد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که تئوری انتخاب عمومی در ایران نقض شود. تئوری سیکل‌های بودجه سیاسی نیز در ایران کاربرد ندارد، یعنی انتخابات آنچنان بر کسری بودجه ایران مؤثر نبوده است. لذا در سال‌های پس از انتخابات (در دوره مورد بررسی)، اعمال سیاست‌های انبساطی مالی از جانب دولت، جهت بهبود رفاه مردم آنچنان مورد توجه سیاستمداران در ایران نبوده و مخارج ناشی از اعمال این سیاست‌ها تأثیر چندانی بر کسری بودجه دولت نداشته است. طبق بررسی‌های صورت‌گرفته در ایران، درآمدهای نفتی همیشه موجب کاهش کسری بودجه دولت شده، ولی در بلندمدت این درآمدهای مالیاتی هستند که بیشترین اثر را بر کاهش کسری بودجه دولت می‌گذارند.

کشور می‌گردد که ممکن است منجر به افزایش هزینه‌های دولت شود و زمینه افزایش کسری بودجه را ایجاد کند، اما نتایج حاصل از تخمین اعمال‌شده در مطالعه حاضر گویای این مطلب است که افزایش نرخ ارز اثر معکوس بر کسری بودجه داشته است. لذا نتیجه برآزش بالا حاکی از اثر منفی ERR بر کسری بودجه در سال‌های مورد بررسی بوده است.

نتایج برآزش حاکی از این است که افزایش Inf منجر به افزایش مخارج دولت و به تبع آن افزایش کسری بودجه می‌گردد. نتایج در مورد متغیر جنگ نیز نشان می‌دهد که در دوره‌های جنگ به علت افزایش هزینه‌های دولت، کسری بودجه دولت افزایش یافته است.

در انتها لازم به ذکر است که جهت بررسی اثر کسری بودجه بر بیکاری از آزمون علیت گرنجری استفاده شد و نتایج نشان داد که یک رابطه علیت یک‌طرفه میان کسری بودجه و بیکاری وجود دارد، به‌طوری‌که افزایش کسری بودجه منجر به افزایش بیکاری در ایران در فاصله سال‌های مورد بررسی شده است.

پیشنهادهای

موجب افزایش سطح قیمت‌ها می‌شود و افزایش تورم را در پی خواهد داشت و در نهایت رکود تورمی حاصل می‌آید. پس دولت‌ها باید به طور جدی به دنبال کاهش کسری بودجه باشند، تا از بروز مشکل رکود تورمی ممانعت نمایند. لذا پیشنهاد می‌گردد دولت با اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی صحیح و به تبع آن با بودجه‌ریزی دقیق، زمینه‌های مناسبی برای دستیابی به بودجه متوازن و متعادل را پدید آورد.

ضمیمه:

نگاره شماره (۲) - آمار و ارقام مربوط به پرداخت‌ها و درآمدهای دولت

کسری بودجه دولت می‌تواند از طریق فروش اوراق قرضه دولتی تأمین مالی گردد، ولی در ایران بخش اعظم کسری بودجه دولت از طریق بهره‌گیری از تسهیلات نظام بانکی و بخشی نیز از طریق برداشت از حساب ذخیره ارزی و درآمدهای نفتی تأمین می‌گردد. بدین‌سان بهره‌برداری گسترده دولت از تسهیلات نظام بانکی محدودیت اعتبارات را برای بخش خصوصی ایجاد می‌کند و منجر به افزایش نرخ بهره شده و باعث می‌شود تولید کاهش یابد و حالت رکود در کشور پدیدار شود. از طرفی کاهش تولید

سال	درآمد نفت (میلیارد ریال)	درآمد مالیاتی (میلیارد ریال)	کل جمعیت (هزار نفر)	درآمدها (میلیارد ریال)	پرداختها (میلیارد ریال)	کسری (-) یا مازاد (+) (میلیارد ریال)
۱۳۵۸	۱۲۱۹.۷	۳۶۸.۳	۳۷۸۱۴	۱۶۹۹.۶	۲۲۲۷.۹	-۵۲۸.۳
۱۳۵۹	۸۸۸.۸	۳۴۰.۴	۳۹۲۹۱	۱۳۲۵.۹	۲۲۹۸.۴	-۹۷۲.۵
۱۳۶۰	۱۰۵۶.۴	۵۵۴.۱	۴۰۸۲۶	۱۷۷۰.۱	۲۷۰۷.۱	-۹۳۷
۱۳۶۱	۱۶۸۹.۵	۶۱۳.۹	۴۲۴۲۰	۲۵۰۱.۹	۳۱۶۷.۴	-۶۶۵.۵
۱۳۶۲	۱۷۷۹.۴	۷۹۶.۵	۴۴۰۷۷	۲۷۷۳.۷	۳۶۷۲.۳	-۸۹۸.۶
۱۳۶۳	۱۴۰۷.۷	۸۹۸.۷	۴۵۷۹۸	۳۷۱۴.۸	۳۳۵۳.۶	-۶۳۸.۸
۱۳۶۴	۱۲۰۸.۶	۱۰۳۳.۷	۴۷۵۸۷	۴۶۶۶.۲	۳۳۱۳.۲	-۶۴۷
۱۳۶۵	۴۳۴.۷	۱۰۲۴.۶	۴۹۴۴۵	۱۷۰۷.۳	۳۱۵۶.۸	-۱۴۴۹.۵
۱۳۶۶	۸۵۳.۲	۱۰۳۰.۲	۵۰۶۶۲	۲۱۷۱.۵	۳۶۴۰.۶	-۱۴۶۹.۱
۱۳۶۷	۸۰۹.۳	۹۸۶.۵	۵۱۹۰۹	۲۰۸۵.۴	۴۲۱۰.۶	-۲۱۲۵.۲
۱۳۶۸	۱۵۱۵.۱	۱۱۸۷.۸	۵۳۱۸۷	۳۱۷۴.۶	۴۳۱۶.۷	-۱۱۴۲.۱
۱۳۶۹	۳۳۷۵.۱	۱۶۹۵	۵۴۴۹۶	۵۶۳۲.۵	۶۰۵۱.۱	-۴۱۸.۶
۱۳۷۰	۳۵۴۹.۴	۲۷۶۵.۲	۵۵۸۳۷	۶۹۳۳.۵	۸۰۹۰.۸	-۱۱۵۷.۳
۱۳۷۱	۵۱۴۵.۹	۳۷۷۵.۵	۵۶۶۵۶	۹۸۸۴.۵	۱۰۷۵۶.۸	-۸۷۲.۳
۱۳۷۲	۱۴۶۸۳.۲	۴۰۶۱.۳	۵۷۴۸۸	۲۰۲۵۰.۷	۲۰۸۸۶.۹	-۶۳۶.۲
۱۳۷۳	۲۱۴۷۹.۷	۵۴۹۰.۸	۵۸۳۳۱	۲۹۲۴۴.۵	۲۸۹۱۲.۴	۳۳۲.۱
۱۳۷۴	۲۹۴۳۱.۲	۷۳۱۳	۵۹۱۸۷	۴۱۵۷۵.۴	۴۱۳۳۰.۹	۲۴۴.۵
۱۳۷۵	۳۸۱۵۳	۱۲۵۶۰.۲	۶۰۰۵۵	۵۷۱۳۱.۹	۵۶۷۸۳.۱	۳۳۸.۸
۱۳۷۶	۳۶۴۴۶.۷	۱۷۳۴۴.۶	۶۱۰۷۰	۶۲۳۷۸.۱	۶۵۴۳۸	-۳۰۵۹.۹
۱۳۷۷	۲۲۵۳۰	۲۴۸۸۱.۶	۶۲۱۰۳	۵۳۶۲۶	۷۰۷۲۴.۳	-۱۷۰۹۸.۳
۱۳۷۸	۴۴۱۷۰.۴	۴۰۲۶۵.۷	۶۳۱۵۲	۹۲۳۱۵.۷	۹۲۷۵۹.۶	-۴۴۳.۹
۱۳۷۹	۵۹۴۴۸.۵	۳۶۵۸۵.۲	۶۴۲۱۹	۱۰۴۶۴۰.۸	۱۰۵۰۴۹.۲۸	-۴۰۸.۴۸
۱۳۸۰	۷۱۹۵۷.۱	۴۱۷۸۶.۱	۶۵۳۰۱	۱۲۵۴۷۹.۵	۱۲۵۲۹۷.۷	۱۸۱.۸
۱۳۸۱	۱۰۲۶۳۶.۴	۵۰۵۸۶.۵	۶۶۳۰۰	۱۶۵۱۵۶.۷	۲۰۲۳۲۵.۳	-۳۷۱۶۸.۶
۱۳۸۲	۱۲۸۱۵۳.۹	۶۵۰۹۹	۶۷۳۱۵	۲۰۷۸۶۷.۵	۲۵۲۰۵۴.۹۹	-۴۴۱۸۷.۴۹
۱۳۸۳	۱۵۰۴۱۳.۳	۸۴۴۲۱.۱	۶۸۳۴۵	۲۵۵۰۰۰.۳	۳۰۴۲۲۹.۴۲	-۴۹۲۲۹.۱۶
۱۳۸۴	۱۸۶۳۴۲.۴	۱۳۴۵۷۴.۴	۶۹۳۹۰	۳۸۷۶۶۹.۴	۴۴۸۵۲۲.۸	-۶۰۸۵۳.۴
۱۳۸۵	۱۸۱۸۱۱.۲	۱۵۱۶۳۰.۹	۷۰۴۹۶	۴۱۳۹۲۸	۵۶۱۳۵۹.۱	۱۴۷۴۳۱.۱۵
۱۳۸۶	۱۷۳۵۱۹.۱	۱۹۱۸۱۵.۳	۷۱۵۳۲	۴۷۲۹۹۵	۵۶۹۰۳۶.۶	-۹۶۰۴۱.۶۶
۱۳۸۷	۲۱۵۶۵۰.۳	۲۳۹۷۴۱.۴	۷۲۵۸۴	۵۹۵۹۷۵.۲	۸۰۵۷۴۲.۱۶	۲۰۹۷۶۷.۰۴

منابع فارسی

10. Goff, B.L. (1993), Evaluating Alternative Explanations of Postwar Federal Deficits. *Public Choice*, Vol. 75.

11. Von Hagen, J. and Harden, J. (1994), Budget Processes and Commitment to Fiscal Discipline. *European Economic Review*, Vol. 39.

12. Von Hagen, J. (1992), Budgeting Procedures and Fiscal Performance in the European Community. Commission of the European Communities, *Economic Paper* N. 96.

13. Rogoff, K. (1990). Political Budget Cycles. *American Economic Review*, Vol. 80.

14. Roubini, N. and Sachs, J. (1997), Government Spending and Budget Deficits in the Industrialized Countries. *Economic Policy*, Vol. 8.

15. Tanzi V, (1985), Fiscal Deficits and Interest Rates in the United States, an Empirical Analysis, 1960-84, *Staff Papers*, IMF.

16. Yoon G, (2012), Explosive U.S Budget Deficit, *Journal of Economic Modeling*, Vol. 29.

17. www.cbi.ir

18. www.woldbank.com

۱. تقی پور، انوشیروان و محمد نوفرستی (۱۳۷۸). ارزیابی اهداف سیاست پولی در ایران، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، وزارت امور اقتصادی و دارایی، (۱)۷.

۲. جعفری صمیمی، احمد (۱۳۷۱). *اقتصاد بخش عمومی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).

۳. عزیزی، فیروزه، (۱۳۸۵)، کسری بودجه و تورم در ایران ۱۳۸۳-۱۳۵۴، *مجله جستارهای اقتصادی*، ۳(۶).

۴. موسوی آزاد کسمایی، افسانه، (۱۳۷۸). *بررسی ارتباط بین کسری بودجه دولت و رشد اقتصادی در ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه الزهرا.

منابع لاتین

5. Alesina, A., Roubini, N. and Cohen, G.D, (1997), *Political Cycles and the Macro Economy*. Cambridge: The MIT Press.

6. Barro, R.J. (1974), Are Government Bonds Net Wealth?, *Journal of Political Economy*, Vol 82.

7. Buchanan, J.M. (1967), *Public Finance in Democratic Process*. Chapel Hill: University of North Carolina Press.

8. Buchanan, J.M. (1976), Barro on the Ricardian Equivalence Theorem. *Journal of Political Economy*, Vol. 84.

9. Galli E & Padovano F, (2002), A Comparative Test of Alternative Theories of the Determinants of Italian Public Deficits (1950-1998), *Public Choice*, Vol. 113.